



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## حفظ کرامت و حیثیت اطفال بزهکار در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با نظام حقوقی فرانسه و اسناد بین المللی و ضرورت قوانین حمایتی از اطفال

الهام میرزاپور

کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، دامغان ، ایران  
*El.mirzapur383@gmail.com*

### چکیده

براساس مطالعات انجام شده در اسناد بین المللی (از جمله کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون منع قاچاق انسان) و در قوانین کشورها سن، مبنای تعریف بلوغ قرار گرفته است. بدین بیان که هر شخصی که هجده سال تمام نداشته باشد، کودک محسوب می شود، آنچه در این مقایسه تطبیقی به چشم می خورد مشخص شدن سن مسؤولیت کودکان است. حمایت از کودکان به ویژه با وضع قوانین و مقررات، یکی از مناقشه آمیزترین موضوعات حوزه سیاستگذاری حقوقی و در عین حال یکی از ضروری ترین اقدامات در هر جامعه است. طیف وسیعی از موضوعات از تعریف کودک گرفته تا چگونگی بهره مندی کودکان از حقوق خود، امکان تنبیه و تأدیب کودکان و مسؤولیت مدنی و کیفری آنها، با اختلاف نظر جدی مواجه است. هدف از انجام پژوهش حاضر حفظ کرامت و حیثیت اطفال بزهکار در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با نظام حقوقی فرانسه و اسناد بین المللی و ضرورت قوانین حمایتی از اطفال است. نوع پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد و روش گردآوری اطلاعات بر مبنای مطالعات کتابخانه ای است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری بوده که از طریق کتب ، مقالات و منابع مرتبط دیگر اطلاعات جمع آوری شده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که سن مسؤولیت کیفری در فرانسه سیزده سال است. با عنایت به این که در قوانین ایران سن نه سال برای دختران و پانزده سال برای پسران شروع سن تکلیف مشخص شده است و این سنین ضمن اینکه حالت تربیتی و نظارتی جهت به کنترل در آوردن اعمال مکلفین دارد، سن نه سال برای دختران و پانزده سال برای پسران به عنوان سن مسؤولیت کیفری قابل پذیرش است؛ منتها برای شمول قوانین جزایی نسبت به نوجوانان کم سن و سال لازم است شرایط عامه ی تکلیف از جمله حد نصاب رشد عقلی مراعات شود تا در صورت شبیه در رشد عقلی مشمول قاعده درء گردد.

**کلمات کلیدی:** سن مسؤولیت ، سیاستهای حمایتی، حقوق کودک، نظام حقوقی ایران، نام حقوقی فرانسه ، اسناد بین المللی.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۱- مقدمه

انسان برای زندگی اجتماعی خویش، نیازمند امنیت جسمی، روحی، اقتصادی و ... است. کودکان نیز که پایه و اساس رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان، از همان سالهای نخست زندگی، آغاز می شود، باتوجه به وضعیت خاص آنان به لحاظ جسمی و روحی، نیاز به حمایتها و مراقبتهای ویژه ای دارند. این اقدامات باید مفهوم و قالب متناسبی یافته و با توجه به ناتوانی کودکان برای استیفای مستقیم حقوق خویش، جنبه های حمایتی وسیعی یابد؛ به گونه ای که بزرگسالان، الزام ناشی از حمایت آنان را کاملاً احساس کنند (ابدالی، ۱۳۷۴: ۲۸).

حقوق کودک مجموعه ای از حقوق بشر ویژه کودکان است که بر پشتیبانی و نگهداری از افراد جوان تمرکز دارد کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ (CRC) یک کودک را به عنوان فردی که به سن هجده سال نرسیده است تعریف می کند. حقوق کودکان شامل حق برقراری ارتباط با هر دو والدین، هویت انسانی و همچنین نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، غذا، آموزش عمومی دولتی، مراقبت های بهداشتی و قوانین کیفری مناسب براساس سن و رشد کودک، حفاظت برابر از حقوق مدنی کودک و آزادی از تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، منشأ ملی، مذهب، معلولیت، رنگ، قومیت یا سایر ویژگی ها. تفسیر حقوق کودکان طیفی از اجازه دادن به ظرفیت کودکان برای داشتن اختیار عمل تا اعمال نظر فیزیکی، روانی و احساسی بدون هیچگونه بدرفتاری با کودکان را دربرمی گیرد. هر چند که آنچه که شامل بدرفتاری می شود باید در رابطه با آن بحث شود (بهشتی، ۱۳۹۷: ۷۹).

از منظر حقوق بین الملل تعریف کودک در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، به کلیه افراد انسانی زیر ۱۸ سال اطلاق می شود.

## ۲- تاریخچه حقوق کودکان

حمایت از کودکان و حقوق کودکان واژه هایی هستند که خیلی از عمر کاربرد آنها نمی گذرد. در گذشته هیچ کس به این که حمایت ویژه ای را به کودکان اختصاص دهد، نمی اندیشید و کودکان همچون بزرگسالانی کوچک به حساب می آمدند. برای همین بود که به کار گماشته شدن کودکان در مشاغل دشوار نیز همچنان که در آثار چارلز دیکنز نویسنده شهیر انگلیسی به چشم می خورد، در جوامع و به خصوص در کشورهای صنعتی غربی رواج داشت. کودکانی که با این مشاغل سخت سرو کار داشتند اغلب به این دلیل که توانایی حمایت از خود را در برابر کارفرمایانشان نداشتند، از شرایط کاری دشوارتر و ناعادلانه تری نسبت به بزرگسالان برخوردار بودند و آسیب های فراوانی زندگی آنان را تهدید می کرد. در اواسط سده نوزده میلادی، این ایده در فرانسه شکل گرفت که به کودکان، حمایت ویژه ای را اختصاص دهند، و بدین ترتیب امکان توسعه تدریجی حقوق افراد در زیر سن قانونی فراهم آمد. از ۱۸۴۱، اولین قوانین حمایتی از کودکان در محیط کارشان شکل گرفت. از سال ۱۸۸۱، قوانین فرانسه حق کودکان برای آموزش را نیز دربر گرفت (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۷۱).

در ابتدای قرن بیستم میلادی، حمایت از کودکان، شروع به پیدا کردن جایگاهی برای خود کرد. جایگاهی که حمایت هایی در زمینه های پزشکی، اجتماعی و قضایی را شامل می شد. این نوع از حمایت، اولین بار در فرانسه آغاز شد و سپس در سراسر اروپا گسترش پیدا کرد (برتیل، ۱۳۹۲: ۱۷).

از سال ۱۹۱۹، جامعه بین الملل، به دنبال ایجاد یک سازمان متشکل از ملت ها (که بعدتر به شکل سازمان ملل درآمد)، این مفهوم را مورد توجه قرار داد و با هدف پرداختن به این مفهوم، کمیته ای را برای حمایت از کودکان طرح ریزی کرد. این سازمان در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۲۴ اعلامیه حقوق کودک را که اولین معاهده بین المللی در زمینه حقوق کودکان است، مورد پذیرش قرار داد. این اعلامیه در ۵ بخش حقوق ویژه ای را برای کودکان و مسئولیت هایی را برای بزرگسالان قائل می شد. اما وقوع جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن بود که لزوم چنین حمایت هایی را بیش از پیش آشکار ساخت. جنگ جهانی دوم هزاران کودک را در وضعیتی بسیار وخیم قرار داده بود. از این رو پس از جنگ (در سال ۱۹۴۷)، صندوقی در سازمان ملل به



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منظور اقدام فوری در جهت کودکان تأسیس شد. این صندوق بعدتر به شکل سازمان یونیسف درآمد و جایگاه یک سازمان بین‌المللی به آن اعطا شد (مهرپور ، ۱۳۹۸ : ۴۵).

از بدو تأسیس، یونیسف به‌طور خاص بر روی کمک به آسیب‌دیدگان جوان جنگ جهانی دوم (که عمدتاً مراقبت از کودکان اروپایی را در بر می‌گرفت) متمرکز بود. اما در ۱۹۵۳، این سازمان مأموریت خود را به دامنه ای بین‌المللی افزایش و فعالیت‌هایش را به کشورهای در حال توسعه نیز گسترش داد. یونیسف سپس چندین برنامه را برای کمک به کودکان در زمینه تحصیل، سلامت و نیز دسترسی به آب و غذا به مرحله اجرا درآورد (نویان ، ۱۳۸۸ : ۲۵).

از تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق کودک این موضوع را که «مادران و کودکان حق دارند که از مراقبت و یاری ویژه‌ای بهره‌مند شوند» به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل، پیمان‌نامه حقوق کودک را که در آن ۱۰ اصل حقوق کودک توصیف شده بود، به تصویب رساند. در حالی‌که این متن توسط همه کشورهای امضا نشده بود و اصول آن تنها ارزش اطلاع‌رسانی داشت، اما همین متن راه را برای پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک هموار کرد (آذربایجانی ، ۱۳۹۱ : ۴۷) پس از تصویب پیمان‌نامه حقوق کودک، سازمان ملل خواستار معرفی یک منشور حقوق بشر شد که قابلیت اجرایی داشته باشد و کشورهای ملزم باشند که به آن احترام بگذارند؛ بنابراین، یک کمیسیون حقوق بشر برای نوشتن چنین متنی تشکیل شد. در بحبوحه جنگ سرد و پس از مذاکراتی سخت، دو متن مکمل پیمان‌نامه حقوق بشر به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک پذیرفته شد:

منشور بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و حقوق بشر، حقوقی را برای حمایت در برابر استثمار اقتصادی به رسمیت شناخت، حقوقی همچون حق تحصیل و حق بهداشت و درمان، منشور مرتبط با حقوق مدنی که بر پایه داشتن نام و ملیت استوار است.

سال ۱۹۷۹، به عنوان سال جهانی کودک توسط سازمان ملل نام‌گذاری شد. این سال تغییرات واقعی را در روح پیمان‌نامه مشاهده کرد. در این سال یک کارگروه کاری درون کمیسیون حقوق بشر به پیشنهاد لهستان تشکیل شد که مسئولیت نوشتن یک منشور بین‌المللی را بر عهده گرفت.

پیمان‌نامه حقوق کودک به اتفاق آرا در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. ۵۴ ماده این پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را توضیح می‌دهد.

پیمان‌نامه حقوق کودک متنی است در رابطه با حقوق بشر که به یک پیمان بین‌المللی شد و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ پس از آنکه در ۲۰ کشور به تصویب رسید، وارد فاز اجرایی شد.

تا به امروز، منشور بین‌المللی حقوق بشر توسط ۱۹۰ کشور از ۱۹۲ کشور عضو به امضا رسیده‌است، اگرچه بعضی از کشورها، با شروط و محدودیت‌هایی این پیمان‌نامه را پذیرفته‌اند. تنها دو کشور ایالات متحده و سومالی این پیمان‌نامه را امضا کرده، اما مصوب نکرده‌اند (حبیبی، ۱۳۹۳ : ۳۳).

امروزه، ایده و شخصیت خود پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در تمامی جهان پذیرفته شده‌است. اگرچه، موانع کاربردی برای بهبود تحقق این پیمان‌نامه هنوز وجود دارد و برای گذار از سخن تا عمل، همچنان کار بسیاری باقی است. در جهانی که فوریت یک امر مسلط است، در جهانی که در هر ۵ ثانیه، یک کودک در اثر گرسنگی می‌میرد، اکنون زمان آن است که تئوری‌ها به همراه کاربردها به یکدیگر پیوندند (قاسمی ، ۱۳۹۵ : ۶۲).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۳- مشکلات و چالش‌های پیش روی کودکان و راهکارهای احتمالی

اکنون در کشورهای توسعه یافته، شناسایی حقوق مشارکتی برای کودکان منجر به بازنگری اساسی در کم و کیف حقوق و مسئولیت‌های کودکان و والدین و جامعه شده است. در کشور ما نیز حساسیت نسبت به حمایت از کودکان بیشتر شده و قوانین حمایتی مختلفی درباره آنان تصویب شده است. با وجود این، کودکان به‌عنوان گروهی آسیب پذیر در معرض انواع تهدیدها قرار دارند و به نظر می‌رسد قوانین و مقررات فعلی برای حمایت از آنها در برابر این تهدیدها کافی نیست. به‌طور کلی سه نگرش عمده در خصوص کودکان و حقوق آنها وجود دارد: نگرشی که حقوقی برای کودک قائل نبوده و او را زیر سلطه والدین قرار می‌دهد؛ نگرشی که کودک را موجودی آسیب پذیر و نیازمند حمایت تعریف می‌کند و نگرشی که کودک را فردی نسبتاً مستقل که باید همانند بزرگسالان از حقوق برخوردار باشد می‌داند. بسته به تصویری که از کودکان در هریک از این دیدگاه‌ها عرضه می‌شود جایگاه کودکان در خانواده و جامعه و نیز نوع و قلمرو حمایت از کودکان متفاوت خواهد بود. می‌توان گفت رویکرد اول، حقوقی را برای کودک نمی‌شناسد، حال آنکه رویکرد دوم حقوق حمایتی و رویکرد سوم حقوق مشارکتی را برای آنها قائل است. برخی مشکلات و چالش‌های پیش روی کودکان و راهکارهای احتمالی را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

۱- کودکان و حق آموزش: گرچه در آموزش کودک به خصوص در سال‌های نخست، نقش غالب را والدین یا سرپرستان قانونی کودک ایفا می‌کنند اما از منظر موازین بین‌المللی دولت متعهد اصلی در بهره‌مندی کودکان از آموزش است. این وظیفه دولت است که تمامی منابع و امکانات را برای ایجاد و اداره مدارس ابتدایی تأمین کرده، بر ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدارس نظارت کند و موانعی را که بر سر راه حضور کودکان در مدارس وجود دارد از سر راه بردارد. به‌طور کلی دولت تعهد دارد تا آموزش رایگان و اجباری را در دسترس همگان قرار دهد. در واقع هم اصول کلی حقوقی و هم معاهدات ذی ربط مستلزم تأمین حق آموزش به‌طور عام و حق آموزش بدون تبعیض به‌طور خاص است.

۲- منع اشتغال کودکان: حضور کودکان در مدارس عملاً و نوعاً منوط به منع اشتغال آنان است. کودکی که به هر دلیل به بازار کار وارد شود عموماً یا از آموزش محروم می‌ماند یا دست کم آموزش کافی و کاملی نخواهد دید. می‌توان گفت ارتباط دوسویه‌ای بین کار کودک و آموزش وجود دارد؛ آموزش، کودکان را از محیط‌های کار دور می‌کند و کودکانی که از آموزش محرومند غالباً گرفتار کار هستند. از همین رو است که ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک مقرر داشته است که کار کودک نباید مانع آموزش وی شود.

۳- کودکان و ازدواج اجباری: تردیدی نیست که عنصر رضایت در ازدواج، از عوامل استحکام نهاد خانواده است؛ اما از گذشته تا به امروز، ازدواج‌های اجباری پرشماری به وقوع پیوسته است. ازدواج کودکان به دلیل عدم کمال قوای ذهنی و دماغی نوعاً از جنس ازدواج اجباری است. این در حالی است که هم در ادیان الهی و هم در نظام بین‌المللی حقوق بشر، آزادی فرد در انتخاب همسر، جزو حقوق مسلم فردی شناخته شده است.

۴- کودکان و حق بر درمان: تحقق کلیه حقوق کودکان در بستر حفظ سلامت جسم و روان آنها ممکن می‌شود. از این رو والدین و دولت‌ها موظفند نهایت تلاش خود را برای سلامتی کودکان به کار ببرند. در این خصوص توجه به ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که تقلیل میزان مرده متولد شدن نوزادان، مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان را بر عهده دولت‌ها قرار می‌دهد قابل توجه است.

۵- کودکان و مسأله تابعیت

تابعیت رابطه‌ای است سیاسی و حقوقی که کودک را به کشور خاص پیوند زده و از حقوق مرتبط برخوردار می‌کند. با توجه به اینکه در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران، داشتن یا اعمال بسیاری از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فرهنگی منوط به داشتن تابعیت آن کشور است، حقوق کودکان بدون تابعیت یا دارای تابعیت دوگانه ارادی یا قهری، همواره در معرض تهدید است (باهر، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۳).

## ۴- رویکردهای مختلف قالب‌های حمایتی و حقوقی از اطفال بزهکار

در چند دهه اخیر همواره به حقوق کودکان و نوجوانان توجه ویژه‌ای شده است و حمایت‌های مختلفی در نظام‌های حقوقی مختلف دنیا از ایشان صورت گرفته است. آسیب‌پذیری کودکان به این خاطر حائز اهمیت است که کودکان و نوجوانان در روند رشد خود به خصوص عبور از دو راهی نوجوانی به بزرگسالی بیشتر در معرض خطر بوده و هرگونه آسیب به ویژه در دوران جامعه پذیری، آینده‌ای همراه با بزهکاری یا بزه‌دیدگی‌های مکرر و در برخی موارد هر دو حالت را به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر سیاست جنایی نظام تقنینی ایران با رویکردهای مختلف قالب‌های حمایتی و حقوقی این قشر را از زوایای دیگر مورد توجه قرار می‌دهد. قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای همسویی با مقررات بین‌المللی بویژه کنوانسیون حقوق کودک - مصوب سال ۱۹۸۹ - با تغییرات و اصلاحات ماهوی جدید در بخش حمایت از انواع بزه دیدگی کودکان همراه بوده و در سن مسئولیت کیفری و شیوه مجازات نیز تغییراتی داشته است. بدین معنا که با توجه به نوع بزه رخ داده در انواع خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی ضمانت اجرای متفاوت‌تر و حمایت‌های بیشتری را مبذول داشته و با اختصاص فصلی جداگانه به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در کودکان و نوجوانان به اصلاح و باز اجتماعی کردن آنان پرداخته است. در هر صورت قانون مجازات اسلامی فراتر از اینها و اقدامات زیادی را در راستای حمایت از حقوق کودکان بزه دیده و مجرم انجام داده است. حتی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۹۲/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی موارد زیادی برای حمایت از حقوق کودکان، از جمله تشکیل پرونده شخصیت یا بازجویی افراد نابالغ توسط ضابطین آموزش دیده زن به منظور اعطای آزادی بیشتر به متهم در ارائه توضیحات و همچنین مفاد ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری برای تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان به چشم می‌خورد (اسمعیلی و احمدی، ۱۳۹۵: ۷-۸).

## ۵- بررسی حقوق کودکان بزهکار در نظام حقوقی ایران

### ۵-۱- بررسی حقوق کودکان در ایران قبل از انقلاب از لحاظ شکلی و ماهوی

در حقوق ایران اولین قانونی که موادی را به اطفال بزهکار اختصاص داده بود، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بود. در ادامه به مقررات ماهوی و شکلی این قانون و قوانین پس از آن در مورد بزهکاری اطفال می‌پردازیم.

#### بند اول) از لحاظ ماهوی

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، در مواد ۳۴ الی ۳۹، به وضعیت اطفال بزهکار پرداخت. در این قانون مسئولیت تام جزائی از سن ۱۸ سالگی بود و تا قبل از رسیدن به این سن از نظر مسئولیت جزائی سه مرحله پیش بینی شده بود. الف) اطفال صغیر غیر ممیز: طبق ماده ۳۴ ق.م.ع سابق «اطفال غیر ممیز را نمی‌توان جزائاً محکوم نمود، در امور جزائی هر طفلی که دوازده سال تمام نداشته باشد حکم غیر ممیز را دارد». با توجه به این ماده قانونگذار برخورداری از مسئولیت جزائی را مشروط به داشتن قدرت تشخیص، تمیز و درک نموده است و چون طفل فاقد قوه‌ی تمیز می‌باشد، اساساً مسئولیت جزائی متوجه وی نمی‌شود. در واقع سن ۱۲ سالگی به عنوان یک اماره قانونی غیر قابل تغییر تلقی می‌شد که امکان اثبات خلاف آن وجود نداشت.

ب) اطفال ممیز غیر بالغ: وفق ماده ۳۵ ق.م.ع سابق: «اگر اطفال ممیز غیر بالغ که به سن پانزده سالگی تمام نرسیده اند، مرتکب جنحه یا جنایتی شوند فقط به ده الی پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شوند، ولی در یک روز زیاد از ده و در دو روز متوالی زیاد از ۱۵ شلاق نباید زده شود».



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از مفهوم ماده فوق چنین بر می آید که سن دوازده سالگی از نظر قانونگذار سرحد بین تمیز و عدم تمیز است. در اینجا قانونگذار تلویحاً مسئولیت نسبی برای این گروه از اطفال را پذیرفته . البته باید به این نکته توجه نمود که قبل از سن دوازده سالگی خلاف فرضیه عدم تمیز، قابل اثبات نیست، ولی بعد از رسیدن به این سن می توان خلاف آن را ثابت نمود .

ج) اطفال ۱۸-۱۵ سال: ماده ۳۶ ق.م.ع مقرر می داشت: « اشخاص بالغی که سن آنها بیش از ۱۵ سال تمام بوده ولی به هجده سال تمام نرسیده اند؛ هرگاه مرتکب جنایتی شوند ، مجازات آنها حبس در دارالتأدیب است، در مدتی که زائد بر ده سال نخواهد بود».

همانطور که مشاهده می شود قانون مجازات عمومی، سن شروع مسئولیت کیفری را ۱۲ سالگی و سن بلوغ کیفری را ۱۸ سالگی مقرر نموده بود .

قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸، در ماده ۴، اطفال را به سه گروه سنی تقسیم نمود :

۱- اطفال زیر شش سال که غیر قابل تعقیب می باشند. ۲- اطفالی که سن آنها بیش از شش سال تمام و تا ۱۲ سال تمام است و چنانچه مرتکب جرمی شوند برحسب مورد به اولیای قانونی یا سرپرست تسلیم می گردند و از آنها تعهد مبنی بر تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل اخذ می گردد و چنانچه فاقد سرپرست بوده یا سرپرست قابل الزام به تأدیب و تربیت طفل نباشد، برای مدتی از یک تا شش ماه به کانون اصلاح و تربیت اعزام می گردند. ۳- اطفال بین ۱۲ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرم به یکی از طرق زیر تأدیب می گردند :

الف) تسلیم به اولیاء یا سرپرست یا اخذ تعهد به تأدیب و تربیت

ب) سرزنش و نصیحت توسط قاضی دادگاه

ج) اعزام به کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یکسال برای کودکان ۱۵-۱۲ سال و از شش ماه تا پنج سال برای کودکان ۱۸-۱۵ سال. بنابراین طبق قانون مورد بحث، افراد زیر ۱۸ سال غیر قابل مجازات بوده و برای ایشان نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، صرفاً با هدف تأدیب و تربیت طفل بوده است.

## بند دوم) از لحاظ شکلی

دادرسی کیفری به مجموعه مقرراتی اطلاق می شود که ناظر بر کشف جرم، تعقیب متهم، کیفیت و نحوه بازجویی، سازمانهای رسیدگی کننده، صدور حکم و اجرای احکام کیفری است که این دادرسی باید متضمن حقوق بزه دیدگان و حقوق متهمان جهت مجازات متهمان و جلوگیری از تحت تعقیب قرار گرفتن افراد بیگناه باشد. قانون سال ۱۳۰۴ آئین دادرسی ویژه ای را برای اطفال بزهکار پیش بینی نکرد؛ اما با قبول مسئولیت کیفری تدریجی پاسخ های افتراقی را برای اطفال ۱۲ تا ۱۸ سال پیش بینی می نمود . در ماده ۳۷ قانون مجازات عمومی چنین مقرر شده بود: «اشخاص مذکور در ماده قبل (اشخاص بالغ ۱۸-۱۵ سال) هرگاه مرتکب جرمی شوند، اگرچه جرم ایشان جنایت باشد در محکمه جنحه محاکمه می شوند مگر آنکه شریک جرم یا معاون آن برحسب اقتضای سن باید در محکمه جنایی محاکمه شود . دراینصورت هردو در محکمه جنایی محاکمه خواهند شد. «برای هم آهنگی در اجرای مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۰ آذر ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاههای اطفال بزهکار به تصویب مجلس شورای ملی رسید. صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایم اطفال که سن آنها بیش از ۶ سال تمام تا ۱۸ سال تمام بود به دادگاه اطفال محول گردید. تا اینکه در سال ۱۳۴۷ با افتتاح کانون اصلاح و تربیت اولین دادگاه اطفال در تهران عملاً کار خود را آغاز نمود (حیدری منش و نجاتی مقدم ، ۱۳۹۷ : ۵۰-۵۲).

۵-۲ - بررسی حقوق کودکان در ایران پس از انقلاب از لحاظ ماهوی و شکلی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پس از انقلاب اسلامی در راستای اسلامی کردن سیستم قضائی و قانونگذاری کشور، در واکنش نسبت به بزه، دگرگونی هایی پدید آمد. بسیاری از قوانین به طور صریح یا ضمنی منسوخ گردیدند و بسیاری دیگر تغییر یافتند از جمله تقسیم بندی سه گانه ی جرایم به جنایت، جنحه و خلاف از سیستم کیفری حذف گردید.

به دنبال این تحولات در سیاست جنایی کشورمان، لایحه ی قانونی تشکیل دادگاههای عمومی در سال ۵۸ به حذف دادگاه های اطفال انجامید. در ادامه به بررسی قوانین ماهوی و شکلی کنونی ایران که به اطفال بزهکار توجه دارند، می پردازیم.

## بند اول) قوانین ماهوی

در ابتدا به نظر می رسد حاصل ماده ۴۹ ق. م. ا. و تبصره یک ماده ۱۲۱۰ ق. م. عدم مسئولیت مطلق پسران تا ۱۵ سال قمری (۱۴ سال و ۷ ماه شمسی) و دختران تا ۹ سال قمری (۸ سال و ۹ ماه شمسی) است. بنابراین معلوم می شود قانونگذار از متغیرهای مؤثر در مسئولیت جزائی محدود و مطلق یعنی تمیز، بلوغ و رشد، فقط بلوغ را مورد ملاحظه قرار داده است و به تبع آن مسئولیت تدریجی که امری ذو مراتب است را در نظر نگرفته است، زیرا قبل از بلوغ، محدوده عدم مسئولیت مطلق و بعد از آن نقطه آغاز تحمیل مسئولیت مطلق بر فرد است.

اگرچه قانون مجازات اسلامی در تبصره ۱ ماده ۴۹، اصل را بر عدم مسئولیت کیفری اطفال (غیر بالغان) قرار داده است، اما به این اصل استثناهایی وارد کرده که با توجه به انواع مجازاتهای ذکر شده در قانون، قابل تعمق است. وفق ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی، مجازاتهای مندرج در این قانون پنج قسم است: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده.

## بند دوم) قوانین شکلی

پس از حذف دادگاههای اطفال به موجب لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی در سال ۵۸، رسیدگی به جرایم اطفال به دادگاههای عمومی واگذار گردید. اما آئین دادرسی افتراقی که در سال ۱۳۳۸ پیش بینی شده بود، هم چنان لازم الاجرا بود. با تصویب کنوانسیون حقوق کودک در اسفند ماه ۱۳۷۲، قدم های ناکافی و ناتمامی در زمینه دادرسی اطفال برداشته شد که مهم ترین آن اختصاص یک فصل از قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری به « ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال» بود. در این قانون با وضع قاعده شکلی جهت رسیدگی به جرایم اطفال اجازه تخصیص یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال داده شد.

طبق ماده ۲۲۱ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در جرائم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده (۴۳) توسط دادرس و یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می گیرد.

طبق قانون، رسیدگی به جرائم اطفال علنی نخواهد بود و فیلم برداری و تهیه عکس وافشای هویت و مشخصات طفل متهم، ممنوع است. همچنین چنانچه مصلحت طفل اقتضا کند رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم، انجام خواهد گرفت. اما رأی دادگاه حضوری صادر خواهد شد.

وفق ماده ۲۲۰ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در جرائم اطفال دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. در غیر این دو صورت دادگاه وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد (حیدری منش و نجاتی مقدم، ۱۳۹۷: ۵۰-۵۲).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۶- بررسی قوانین حمایت از کودکان در فرانسه از لحاظ ماهوی و شکلی

### بند اول ( قوانین ماهوی

رویه قضایی و قرائت قضات از قانون سال ۱۹۴۵ یکسان نبوده است. این قانون صغار را به زیر ۱۳ و بالای ۱۳ تا ۱۸ سال تقسیم می کند. در قانون دوره زیر ۱۳ سال را، اماره عدم مسئولیت مطلق ذکر نموده اما رویه قضایی دیوان کشور فرانسه عقیده دارد که باید درباره اطفال زیر ۱۳ سال، قائل به تفکیک شد؛ به طوری که این اماره به طور صریح و قاطع نمی تواند در مورد این اطفال اعمال شود بلکه باید به صورت موردی و مصداقی برخورد شود.

بنابراین اطفال زیر ۱۳ سال، به دو گروه تقسیم می شوند: کودکان در سنین بسیار پایین زیر سال ۱۳ که به آن، «کودکی طفولیت» می گویند. در خصوص سنین بسیار پایین، طبعاً اماره صریح عدم مسئولیت وجود دارد. اما در مورد گروه دیگر که بین ۷ تا ۱۳ سال دارند، اماره قاطع و صریح نیست و ممکن است مسئول تلقی شوند؛ ولی با مسئولیت خفیف در نتیجه باید دید آیا طفلی که به عنوان متهم، حاضر است، خواسته مرتکب عمل شود یا فهمیده عملی را که مرتکب شده، بد است و آیا عامدانه بوده است؟

بنابراین قرائت قاضی و رویه قضایی از قانون ۱۹۴۵، همان قرائت قانونگذار نیست. لذا بین سیاست تقنینی و سیاست قضایی، تفاوت وجود دارد.

در مورد گروه دیگر که اطفال بین ۱۳ تا ۱۸ سال را شامل می شود نیز باید قائل به تفکیک شویم. بدین معنی که اطفال بین ۱۳ تا ۱۸ سال مشمول اماره ساده عدم مسئولیت هستند نه مطلق. دادگاه می تواند یا علیه آنها مجازات صادر کند و یا اقدام تربیتی انجام دهد که ممکن است مشتمل بر تسلیم طفل به والدینش یا سرزنش و تذکر قاضی و اخطار به طفل یا تسلیم طفل به فرد مورد اعتماد یا اعزام طفل به یک نهاد تخصصی مثل کانون اصلاح و تربیت باشد. اما دادگاه می تواند برای این رده سنی مجازات هم صادر کند؛ حتی کیفر حبس. میزان مجازات برای طفل در کیفر حبس تابعی است از همان مجازاتی که برای بزرگسالان مجرم صادر می شود. لذا معیار همان مجازاتی است که قانونگذار برای مجریان بزرگسال تعیین کرده است؛ اما با تعدیلهای و تخفیف هایی. مثلاً اگر مجازات جرم ارتكابی برای بزرگسال حبس موقت باشد؛ برای کودک از نظر مدت نصف می شود. هم چنین دادگاه جنایی اطفال می تواند تا ۱/۲ میزان مندرج در قوانین و حداکثر تا ۵۰۰٫۰۰۰ فرانک طفل را به پرداخت جزای نقدی محکوم نماید (ماده ۳-۲۰ قانون ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲). اشتغال به کارهای عام المنفعه، سازش با مجنی علیه و جبران ضرر و زیان از دیگر تصمیماتی است که در مورد اطفالی که مرتکب جنایت شده اند گرفته می شود.

### بند دوم ( قوانین شکلی

در فرانسه اگر طفل مرتکب جنحه یا جنایت شود، اقامه و تعقیب دعوی از وظایف دادستان حوزه قضایی دادگاه اطفال است. در این کشور مأمورین پلیس مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرمی که طفل یا جوان کمتر از ۱۸ سال مرتکب شده است مراتب را فوراً حتی با تلفن یا فکس به اطلاع دادستان یا قاضی اطفال همان محل رسانده و برای شروع تحقیقات مقدماتی و در صورت لزوم برای بازداشت متهم دستورات لازم را کسب نمایند.

از نظر صلاحیت رسیدگی، سلسله مراتب قضایی یا دادگاه های اطفال، تابعی از شدت جرایم و درجه خطرناکی آن ها است. دادستان در صورت موافقت با نظریه بازپرس، با تنظیم کیفرخواست پرونده را جهت صدور حکم به مقامات صلاحیت دار به ترتیب زیر ارسال می گردد:

- جرم خلاف تا درجه ۵ به دادگاه پلیس





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- جرم خلاف درجه ۵ به دادگاه اطفال یا قاضی اطفال. قاضی اطفال در مسائل ساده و کم اهمیت در اطاق مشاوره، که خود ریاست آن را بر عهده دارد، پرونده را رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند. دادگاه اطفال به ریاست قاضی اطفال با حضور دو نفر دستیار ( که از قضات و افراد علاقه مند به کودکان هستند) تشکیل می شود.
- جرم جنحه طفل ۱۳ تا ۱۸ سال به قاضی اطفال یا دادگاه اطفال
- جرم جنایت طفل اگر در موقع ارتکاب جرم کمتر از ۱۶ سال داشته باشد به دادگاه اطفال و اگر در موقع ارتکاب جرم جنایت ۱۶ تا ۱۸ سال داشته باشد، دادستان پرونده را به دادستان کل ارسال می دارد. دادستان پرونده را به هیئت تشخیص ارجاع می نماید. شعبه خاص تشخیص اتهام اطفال، چنانچه وقوع جنایت را محرز بداند، پرونده را جهت تأیید و یا صدور قرار بازداشت به دادستان کل اعاده می دهد. دادستان کل پرونده را جهت دادرسی به دادگاه جنایی اطفال می فرستد. این دادگاه مرکب از سه قاضی حرفه ای و نه عضو هیئت منصفه می باشد. نه تن اخیر به قید قرعه از میان شهروندان محل انتخاب می شوند (ژوسلین ، ۱۳۹۶ : ۱۱۸-۱۲۰).

## ۷- نتیجه گیری

با وجود پیشرفت های بسیار مثبتی که در زمینه توجه به حقوق کودکان در سال های اخیر در این سرزمین انجام گرفته با این حال کاستی های نیز مشاهده می شود. از جمله این کاستی ها تصویب نشدن لایحه حمایت از کودکان و نوجوان در مجلس است در این لایحه موارد بسیار مثبتی مشاهده می شود. به عنوان مثال در این لایحه عنوان شده اگر در صورت بی مبالائی والدین، طفل مرتکب خطا و جرم شود با والدین برخورد خواهد شد که در صورت تصویب این قانون که نشان از توجه زیاد به مسأله حقوق کودکان در ایران است گام بسیار بزرگی در زمینه پیشرفت در امور حقوق کودکان بر داشته می شود. وجود یک سیستم عادلانه کیفری در برخورد با اطفال بزهکار می تواند تضمین کننده سلامت جامعه باشد و با اعمال واکنش مناسب و شایسته آنان را مجدداً به آغوش اجتماع باز گرداند در عین حال از بروز هرگونه واکنش افراطی و دور از منطق جلوگیری به عمل آورد. یکی از ویژگی های خوب حقوق جزای جدید فرانسه، این است که به رهنمودها و مقررات حقوق بین الملل درباره اطفال، توجه کرده و آنها را وارد قوانین فرانسه کرده است. جهت گیری این مقررات بین المللی، حمایت بیش از پیش از اطفال است. مطلب دوم، دیدگاه جامعه شناسان راجع به اطفال بزهکار است. اطفال به موجب مطالعاتی که انجام شده است، خود را بیش از پیش مسؤول می دانند و دوست دارند که بزرگسالان آنها را مسؤول تلقی کنند و تحت این عنوان با آنان رفتار کنند؛ حتی وقتی مرتکب جرم می شوند. این تحول نگرش در بین نوجوانان، در مقررات حقوق جزا هم منعکس شده است. به همین جهت است که قانون گذار فرانسه در تنها ماده ای که به اطفال بزهکار اختصاص داده است، سخن از صفاری کرده است که مرتکب جرم شده اند و مقصر هستند.

## مراجع

- ابدالی، مهرزاد، حقوق کودک در کنوانسیون بین المللی و تطبیق با حقوق اسلام و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴.
- ابراهیمی، شهرام، تحولات حقوق کیفری اطفال در فرانسه در پرتو قانون «عدالت کیفری کودکان و نوجوانان»، تحقیقات حقوقی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۲: ۱۶۷-۱۸۸، ۱۴۰۲.
- ابوحسینی، سارا، در ارتباط با حقوق کودک در قانون، مجله روان شناسی امروز، شماره ۱۳: ۱۸-۳۵، ۱۳۹۰.
- آذربایجانی، مسعود، نگاهی تربیتی به کنوانسیون حقوق کودک، کتاب زنان، شماره ۱۶: ۳۷-۵۲، ۱۳۹۱.
- اسمعیلی، سمانه؛ احمدی، ابودر، مسئولیت کیفری اطفال - مقایسه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه، نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت، قم، ۱۳۹۵: ۴۲-۶۱.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- باهر، حسین ، نکاتی پیرامون حقوق جهانی کودک و نوجوان، ماهنامه دادرسی، شماره ۶ : ۱-۲۴ ، ۱۳۸۹.
- برتیل، لیندبلاد، نظام اخلاقی جهانی برای کودکان، حقوق و اجتماع ، شماره ۲۱ : ۱-۲۸ ، ۱۳۹۲.
- بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷.
- ژوسلین کاستاین، مسئولیت کیفری اطفال در فرانسه، مترجم: دکتر شهرام ابراهیمی ، تهران ، انتشارات سنا ، ۱۳۹۶.
- حبیبی، تهمینه، نقد فقهی کنوانسیون حقوق کودک، کتاب زنان ، شماره ۱۶ : ۲۹-۴۴ ، ۱۳۹۳.
- حیدری منش ، سیدنورالدین ؛ نجاتی مقدم ، سعید ، بررسی مسیولیت کیفری اطفال در نظام حقوقی ایران در دوره‌های قبل و پس از انقلاب ، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی ، مشهد ، ۱۳۹۷ : ۴۲-۵۸.
- قاسمی، فاطمه، حقوق کودکان از حرف تا عمل ، تهران ، انتشارات منشور صلح ، ۱۳۹۵.
- مسئولیت کیفری اطفال در فرانسه، نوشته ژوسلین کاستاین، مترجم: دکتر شهرام ابراهیمی ، تهران ، انتشارات سنا ، ۱۳۹۶.
- مهرپور، حسین ، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۸.
- نوبان، آذین، یونیسف و پیمان جهانی حقوق کودک، روزنامه انتخاب ، شماره ۱۹ : ۱۳۸۸.